



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درباره مسئله تلقیح صناعی که قبلاً بحث کردیم یکی از آقایان نوشته ای دارد و اینطور نوشته اند که بالاخره مطلب برای ما روشن نشد زیرا آنچه که حرام است زنا می باشد و تلقیح صناعی زنا نیست، اما آن چیزی که به نظر ما رسید این بود که دو چیز حرام است؛ اول زنا و دوم قرار دادن نطفه مرد اجنبی در رحم زن دیگر، بعلاوه ما عرض کردیم اگر ادله حرمت نیز تمام نباشد ما در شبهات بدویه ی آنچه که مربوط به اموال و فروج و دماء است نیز احتیاط می کنیم و نمی توانیم در این امور ثلاثه به برائت رجوع کنیم و حتی این مطلب یعنی قرار گرفتن چیزی در رحم زن که از شوهرش نباشد در ارتکاز متشرعه یک امر مستنکر بحساب می آید و در واقع خداوند متعال برای رحم زن یک حصاری قرار داده و فقط دخالت در آن حصار در شأن زوج و شوهر می باشد و غیر از این را عرف متشرعه استنکار می کند و همین استنکار اقلای برای ما شک ایجاد می کند و در صورت شک نیز عرض کردیم که احتیاط می کنیم.

خب و اما عرض کردیم که خداوند متعال در قران کریم شش فرض برای افراد مختلف ذکر کرده:

(۱): نصف، (۲): ربع، (۳): ثمن، (۴): ثلثان، (۵): ثلث، (۶): سدس.

اول نصف: "فالنصف لأربعة: الزوج مع عدم الولد) للزوجة (وإن نزل) سواء كان منه أم من غيره. (والبنت) الواحدة. (والأخت للأبوين والأخت للأب) مع فقد أخت الأبوين (إذا لم يكن ذكر) في الموضعين".^۱

نصف در قران کریم:

اول: ﴿وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ﴾^۱.
دوم: ﴿وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ﴾^۲.
سوم: ﴿فِي الْكُلَّالَةِ إِنْ أَمْرُوهُ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَ لَهُ أُخْتُ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَ هُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ﴾^۳.
دوم ربع: "(والربع لاثنتين: الزوج مع الولد) للزوجة وإن نزل. (والزوجة) وإن تعددت (مع عدمه) للزوج"^۴.

ربع در قران کریم:

اول: ﴿فَإِنْ كَانَ هُنَّ وَلَدٌ فَلِكُلِّمُ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِيَنَّ بِهَا أَوْ دَيْنٍ﴾^۵.
دوم: ﴿وَ هُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ﴾^۶.
سوم ثمن: "(والثمن لقبيل واحد) وهو (الزوجة وإن تعددت مع الولد) وإن نزل"^۷.

ثمن در قران کریم:

﴿فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ﴾^۸.

چهارم ثلثان: "(والثلثان لثلاثة: البنيتن فصاعدا. والأختين لأبوين فصاعدا. والأختين للأب) - مع فقد المتقرب بالأبوين - فصاعدا (كذلك) إذا لم يكن ذكر في الموضعين"^۹.

ثلثان در قران کریم:

اول: ﴿فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ﴾^{۱۰}.
دوم: ﴿فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ﴾^{۱۱}.

پنجم ثلث: "(والثلث لقبيلين: للأُم مع عدم من يحجبها) من الولد والإخوة (وللأخوين، أو الأختين، أو للأخ والأخت

^۱ سوره نساء، آیه ۱۲.

^۲ سوره نساء، آیه ۱۱.

^۳ سوره نساء، آیه ۱۷۶.

^۴ الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، شهيد ثانی، ج ۸، ص ۶۷.

^۵ سوره نساء، آیه ۱۲.

^۶ سوره نساء، آیه ۱۲.

^۷ الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، شهيد ثانی، ج ۸، ص ۶۷.

^۸ سوره نساء، آیه ۱۲.

^۹ الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، شهيد ثانی، ج ۸، ص ۶۷.

^{۱۰} سوره نساء، آیه ۱۱.

^{۱۱} سوره نساء، آیه ۱۷۶.

^۱ الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، شهيد ثانی، ج ۸، ص ۶۷.

حساب می باشد و این حرف درستی می باشد بنابراین ما باید حساب را مطرح کنیم.

تمام موارد مذکور بر اساس کسر متعارف می باشد نه کسر اعشار که این دو با هم فرق دارند، در کسر اعشار حساب ده ده می باشد و ممیز می گذاریم مثلاً می گوئیم $10/2$ و $10/0.2$ و $10/0.02$ و همینطور پیش می رویم اما در کسر متعارف اینطور است که مثلاً دو نفر یک سیب دارند و می خواهند با هم نصف کنند که نصف را ما می نویسیم $\frac{1}{2}$ یعنی عدد ۱ را می نویسیم و زیرش یک خط افقی قرار می دهیم و بعد عدد ۲ را زیر خط می نویسیم که عدد بالایی می شود صورت و عدد پایین خط می شود مخرج و این کلاً می شود کسر متعارف، حالا در لغت عرب از یک تا ده برای اینها اسم گذاشته اند مثلاً نصف و ثلث و ربع و غیرهم اما در فارسی اسم ندارند بلکه می گویند یک دوم یا سه چهارم و امثال ذلك.

خب و اما حالا بحث در این است که اگر در جایی چند نفر سهام مختلفی ببرند مثلاً یکی ثلث و یکی نصف و دیگری سدس چگونه باید محاسبه کنیم؟ بنابراین خیلی لازم است که ما به این حساب ها و کسرها تسلط داشته باشیم، و اما همان طور که عرض کردیم صاحب جواهر تبعاً لشراعی از صفحه ۳۳۰ به بعد از جلد ۳۹ جواهر ۴۳ جلدی این بحث را مطرح کرده.

اما نسبت مخرج این کسرها چهار صورت دارد؛ متباینین یا متداخلین یا متمائلین یا متوافقین می باشند.

بنابراین ما باید به حساب و ریاضی مسلط باشیم تا بتوانیم این کسرها را به خوبی محاسبه کنیم ان شاء الله تعالی...

فصاعدا من جهتها) ولو قال: للاثین فصاعدا من ولد الأم ذکورا أم إناثا أم بالتفریق کان أجمع" ۱۳.

ثلث در قران کریم:

اول: ﴿فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَ وَّرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ﴾ ۱۴.
دوم: ﴿فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ﴾ ۱۵.
ششم سدس: "(والسدس لثلاثة: للأب مع الولد) ذکرا کان أم أنثی وإن حصل له مع ذلك زيادة بالرد، فإنها بالقرابة، لا بالفرض (وللأم معه) أي مع الولد، وكذا مع الحاجب من الإخوة (وللواحد من كلاله الأم) أي أولادها" ۱۶.

سدس در قران کریم:

اول: ﴿وَ لِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ﴾ ۱۷.

دوم: ﴿فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ﴾ ۱۸.

سوم: ﴿وَ إِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَ لَهَا أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ﴾ ۱۹.

در شرایع و شرح لمعه اول طبقات و بعد سهام و فروض و اهل آنها را ذکر کرده کرده اند و در آخر کتاب فرموده اند خاتمة فی الحساب و جواهر نیز تبعاً لشراعی همینطور بحث کرده منتهی مسالک که شرح شرایع است یک مطلبی را در بین مطرح کرده و اینطور فرموده که فقهاء ما وقتی از ارث بحث می کنند اول ارث و بعد سهام و بعد اهالی سهام را مطرح می کنند و بعد در آخر کتاب می گویند حساب چیست در حالی که خوب است حساب در اول کتاب مطرح شود زیرا تمام مسائلی که مطرح شده بر اساس

۱۳ الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، شهيد ثانی، ج ۸، ص ۶۸.

۱۴ سوره نساء، آیه ۱۱.

۱۵ سوره نساء، آیه ۱۲.

۱۶ الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، شهيد ثانی، ج ۸، ص ۶۸.

۱۷ سوره نساء، آیه ۱۱.

۱۸ سوره نساء، آیه ۱۱.

۱۹ سوره نساء، آیه ۱۲.